



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان با بازی‌های فکری و آموزشی

فاطمه اسگندری^۱، مرضیه اسدپور^۲، لعییا صالحی الوان^۳

۱- لیسانس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی ارومیه

۲- لیسانس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی ارومیه

۳- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام نور ارومیه

fatixxbts@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان با بازی‌های فکری و آموزشی انجام شد. در این مقاله، ابتدا به تعریف تفکر خلاق و اهمیت آن در جامعه و زندگی فردی پرداخته می‌شود. تفکر خلاق عبارت است از فرایند درک مشکلات، مسائل، کمبود اطلاعات و عوامل جافتاده یا حدس زدن و فرضیه ساختن در مورد این کمبودها، هم‌چنین ارزیابی و آزمون فرضیه‌ها و حدس‌ها و نیز اصلاح و ارزیابی مجدد آن‌ها و بالاخره ارائه نتایج. سپس به بررسی روش‌های پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان با استفاده از بازی‌های فکری آموزشی پرداخته می‌شود. در این بخش، نحوه استفاده از بازی‌های فکری آموزشی برای تقویت مهارت‌های تفکر خلاق و افزایش خلاقیت دانش آموزان بررسی می‌شود. این پژوهش به شیوه مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. در نهایت، نتایج چندین تحقیق در این حوزه بررسی شده و نکات کلیدی برای پرورش تفکر خلاق با استفاده از بازی‌های فکری آموزشی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

کلمات کلیدی: تفکر خلاق، بازی آموزشی، پرورش تفکر، مدرسه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

یکی از عمده‌ترین هدف‌هایی که در تربیت فرزندان و به‌خصوص نوجوانان لازم است مورد توجه باشد، پرورش روحیه خودباوری و ایجاد اعتماد به نفس و ابداع هست. کسی که اعتماد به نفس نداشته باشد، ناتوان است و نمی‌تواند از امکانات و استعداد های موجود خود بهره‌برداری کند. یکی از راه‌های پرورش اعتماد به نفس فرزندان، توجه به جنبه‌های مثبت و تشویق و ترغیب آن‌هاست. بازی کردن کودک موجب اندوختن تجارب اجتماعی فراوانی در کودک می‌گردد که خود موجب پرورش اعتماد به نفس کودک خواهد شد. هیچ‌چیز مانند تنعم و ناز پروردگی، روحیه انسان را ضعیف و ناتوان نمی‌کند و راه سیر به سوی کمال را بر آدمی نمی‌بندد. بازی با تمام جوانب آن روح کودک را ورزش می‌دهد. رشد و نمو و بارور شدن استعدادهای آدمی جز در صحنه زندگی شکل نمی‌گیرد و بازی نمونه کوچکی از زندگی واقعی است.

بیان مسئله

یکی از سؤال‌های مهم که ذهن بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان تعلیم و تربیت را به خود مشغول کرده است این است که آیا می‌توان خلاقیت را پرورش داد؟
آیا خلاقیت یک ویژگی ذاتی است یا اینکه از عوامل اجتماعی متأثر است؟
آیا بازی در پرورش خلاقیت کودکان نقش دارد؟

اهمیت پژوهش

شاید قدری شگفت‌انگیز باشد، اما زندگی بدون خلاقیت مشکل و طاقت فرساست. اگر از بلندترین مکان زندگی کنونی به گذشته نگاهی بیندازیم، در خواهیم یافت که زندگی کنونی چقدر از نظر امکانات و تجهیزات با گذشته تفاوت دارد. خلاقیت به‌عنوان استعدادی قدرتمند در نهاد آدمی از همان دوران کودکی وجود دارد، به قول راجرز (۱۹۷۷) آدمی ذاتاً خلاق متولد می‌شود، باین حال خلاقیت در مراحل ابتدایی زندگی تکامل یافته نیست و به همین دلیل نیاز به توجه، هدایت و تربیت است (پیرخایفی ۱۳۷۹) جامعه برای پیشرفت و توسعه نیاز به کودکان با انگیزه، کنجکاو و خلاق دارد، همچنین به نوجوانان و جوانانی نیاز دارد که چهره دیگر از آینده ترسیم کنند و به بزرگسالانی نیاز دارد که حامی و سازنده باشند، دستاورد چنین موقعیتی ابتکار و سازندگی است.

پیشینه پژوهش

خلاقیت معادل با حل مسائل (problem solving) مسئله‌گشایی تلقی شده که در اشکال مختلف هنری، علمی و اجتماعی ظاهر می‌شود. (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷، ریکاردز، ۱۹۹۰)
صاحب‌نظران معتقدند که هر پدیده خلاقانه‌ای حتماً باید واجد عنصر تازگی و نو بودن باشد تا امتیاز خلاقیت را پیدا کند. (والفی، ۱۳۷۷، احمد پور، ۱۳۷۹، پیر خایفی، ۱۳۷۹) در کنار این ویژگی باید به عنصر مناسب و مفید بودن خلاقیت نیز توجه کرد، زیرا تازگی و جدید بودن یک پدیده بی‌آنکه دارای منافع و فوایدی باشد، ارزش چندانی ندارد؛ بنابراین خلاقیت به معنای خلق کردن چیزی تازه و منحصر به فرد است که به‌گونه‌ای مناسب و مفید موجب حل کردن یک مسئله، سؤال یا نیاز علمی، صنعتی و یا اجتماعی شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پرکینز (perkins) در سال ۱۹۸۴ ویژگی خاص را در کودکان بسیار خلاق برشمرد که عبارتند از:

۱. میل به زیبایی
کودکان خلاق زیبایی را دوست دارند و در کارهای آنان ظرافت خاصی مشاهده می‌شود. به عبارتی کودکان خلاق توجه خاصی به زیبایی و توجه و شناخت شخصی نشان می‌دهند.
۲. داشتن مسائل و مشکلات
کودکان با انعطاف‌پذیری می‌توانند مسائل مختلف را شناسایی کرده و از سر راه بردارند.
۳. داشتن عینیت.
کودکان خلاق اندیشمندانی عینی هستند.

تفکر خلاق

تفکر خلاق عبارت است از فرایند درک مشکلات، مسائل، کمبود اطلاعات و عوامل جاافتاده یا حدس زدن و فرضیه ساختن در مورد این کمبودها، همچنین ارزیابی و آزمون فرضیه‌ها و حدس‌ها و نیز اصلاح و ارزیابی مجدد آن‌ها و بالاخره ارائه نتایج سانتروک (۲۰۰۴) آفرینندگی را به صورت زیر تعریف کرده است: توانایی اندیشیدن درباره امور به راه‌های تازه و غیرمعمول و رسیدن به راه‌حل‌های منحصر به فرد برای مسائل.
گاردنر (۱۹۹۳) افراد خلاق را کسانی می‌داند که در حل مسائل چیره‌دست هستند، تولید هنری دارند یا سنول‌های تازه طرح می‌کنند و اندیشه‌های آنان ابتدا تازه و غیرمعمول تلقی می‌شود اما سرانجام در فرهنگ‌های خود پذیرفته می‌شوند.

دیدگاه گاینه نسبت به آفرینندگی

رابرت گاینه (۱۹۸۵، ۱۹۷۷) خلاقیت را نوعی حل مسئله می‌داند. او در طبقه‌بندی خود از انواع بازده‌های یادگیری، بالاترین طبقه مهارت‌های ذهنی را حل مسئله نامیده و طبقه دیگری به آفرینندگی اختصاص نداده است.
دولفک (۱۹۸۷) نیز با گاینه هم عقیده است و می‌گوید توانایی آفرینندگی مانند توانایی حل مسئله بر دانش و اطلاعات فرد در زمینه‌ای که به آفرینش دست می‌زند وابسته است. داشتن یک مخزن غنی دانش در یک زمینه اساس خلاقیت در آن زمینه است.

با وجود شباهت بسیار بین حل مسئله و خلاقیت می‌توان آن‌ها را از این لحاظ متفاوت دانست که حل مسئله فعالیت عینی‌تری از آفرینندگی است و از آن هدف مشخص‌تری دارد.

از طرف دیگر خلاقیت دارای ویژگی تازگی است. آفرینندگی یعنی دستیابی به راه‌حل‌های نو که دیگران قبلاً به آن نرسیده‌اند. اگن و کاوچاک (۲۰۰۱) نیز در تعریفی که از آفرینندگی به دست داده‌اند بر نو بودن یا اصیل بودن تأکید کرده‌اند.

ورنون معتقد است خلاقیت توانایی شخص در ایجاد ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیای جدید و نو و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌هاست که به وسیله متخصصان به عنوان پدیده‌ای ابتکاری قلمداد می‌گردد و از لحاظ زیبایی‌شناسی، فناوری و اجتماعی بارز است.

مایر خلاقیت را توانایی حل مسائلی می‌داند که فرد پیش‌تر آن‌ها را نیاموخته است.

ویژگی‌های افراد خلاق و نوآور

افراد از نظر خلاقیت متفاوت‌اند. کسی که زندگی خلاق دارد، احساس توانمندی را در خود پرورش می‌دهد، با مهر و محبت ناکامی‌ها را می‌پذیرد و نیروهایش را در راه تحقق اهدافی که دارد بسیج می‌کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ایام گران‌بهای عمر را به بطالت تباه نمی‌کند، خوب می‌داند که بیکاری و وقت‌گذرانی به فراغت پرداختن بیش‌ازاندازه اسباب تکدر خاطر می‌شود او اهل تفکر و اندیشه است و بجای اتلاف وقت زمان خود را به نحوی مدیریت می‌کند که وقت بیشتری برای اندیشیدن و تعمق در سؤالات اساسی چون خداوند، خود، معرفت نفس و آثار خلقت و پدیده‌های نامکشوف جهان هستی داشته باشد. انسان خلاق دل‌بسته مادیات نیست. انسان خلاق سعادت را در القاب جستجو نمی‌کند. انسان خلاق از سرگرمی‌های انفعالی فاصله می‌گیرد. از انگاره‌های انفعالی حذر می‌کند و علاقه‌مند و بانشاط در جهت هدف‌هایش گام برمی‌دارد. به‌قدری محو اندیشه و تفکرات نو است که فرصتی برای خودخواهی پیدا نمی‌کند و جان کلام آنکه، مشتاق و هدف‌گراست. احساس جوانی دائم دارد، احساسی که همه به آن نیاز دارند ولی متأسفانه اغلب از آن محروم هستند. انسان متفکر و اندیشمند خلاق و نوآور است او در هر پدیده‌ای چیزی نو می‌یابد دیدی وسیع و ذهنی جستجوگر دارد، کنجکاو است و در جستجوی تازه‌ها و نیافته‌ها. علاوه بر این افراد خلاق دارای یک سری از ویژگی‌هایی هستند که این ویژگی‌ها را می‌توان با درجات متفاوت در تمام افراد جامعه پیدا کرد. خلاقیت در اثر رخوت و کم‌کاری را کد و کسل می‌گردد ولی هیچ‌گاه از بین نمی‌رود بنابراین باید سعی شود این ویژگی‌ها پرورش داده شوند تا خلاقیت دچار رکود نگردد.

۱- سلامت فکر و روان:

افراد خلاق افرادی هستند که از سلامت روانی برخوردارند. این افراد قادرند فکر، اندیشه و حرف‌های تازه را پشت سر هم مطرح کنند بدون اینکه دچار رکود گردند. بهره‌مندی از ذهنی سالم، باز و گشوده این امکان را برای قوه خلاقه فراهم می‌کند تا از آنچه می‌خواهد تصویر روشنی بیافریند و بالاخره عملی منشأ موفقیت و پیروزی است که در ورای آن اندیشه‌ای سالم نهفته باشد، همان‌گونه که ورزش عضلات را قوی‌تر و سالم‌تر می‌کند تفکر، مطالعه کتاب‌های خوب و مفید و نگارش تجارب، افکار و منش‌ها نیز باعث تقویت و سالم‌تر شدن روان و ذهن گردیده و نهایتاً موجب باروری و شکوفایی خلاقیت می‌گردند.

مراحل تفکر خلاق

- ۱- آمادگی: در این مرحله افراد به امور و پدیده‌های مختلف زندگی دقت و توجه بیشتری پیدا می‌کنند، به حدی که گاهی پدیده‌های زندگی مدت‌های طولانی ذهن شخص را به خود مشغول می‌نمایند.
- ۲- مطالعه: در این مرحله فرد با بررسی و مطالعه بیشتر روابط بین پدیده‌ها را بهتر درک می‌کند.
- ۳- تغییر: در این مرحله شخص به نوع روابط بین پدیده‌ها که ذهن او را به خود مشغول کرده‌اند پی برده و با طرح سؤال‌های مختلف در ذهن به نقد و بررسی آن می‌پردازد.
- ۴- پختگی: در این مرحله شخص با گذار از مراحل قبلی به درک و شناخت عمیق‌تری از روابط بین پدیده‌ها می‌رسد و گویی پدیده‌ها جزئی از وجودش شده است.
- ۵- اشراق: در این مرحله شخص به پاسخ‌های ناگهانی دست پیدا می‌کند.
- ۶- وارسی: در این مرحله فرد به بررسی بهترین ایده‌ای که در مراحل قبلی به آن رسیده است می‌پردازد تا صحت و وسقم و درستی آن را مشخص نماید.
- ۷- اجرا: در این مرحله فرد افکار یا ایده‌هایی که مورد تأکید واقع شده‌اند را به مرحله اجرا درمی‌آورد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تقویت عناصر انگیزشی خلاقیت

پرورش عنصر انگیزشی خلاقیت باید اساساً در بستر خانواده صورت گیرد، زیرا مستعدترین محیط برای شکل‌دهی آن محیط کلامی و نظام تربیتی و رفتاری خانواده است. کودک و نوجوان اوقات زیادی را در خانواده سپری می‌کنند، بنابراین طبیعی است که بیشترین تأثیر را نیز از آنان بپذیرد.

اما پیلی (۱۹۸۸) معتقد است برای رسیدن به خلاقیت بهتر است که انگیزه و به‌ویژه انگیزه درونی پرورش پیدا کند. در کودکان انگیزه معمولاً حالتی کلی و عمومی دارد. گاهی درونی می‌شود و گاهی بیرونی. برای آن‌که کودکان موفق شوند به انگیزه خود سازمان دهند و جهت آن را مشخص کنند (درونی سازند یا بیرونی) برخورد کلامی اولیا و مربیان نقشی اساسی دارد. آنچه هسته و محور برخورد را می‌سازد گرایش و جهتی است که در خودپاسخ یا کلام نهفته است، آیا کلام مشوق انگیزه درونی است یا بیرونی.

نقش معلم در پرورش خلاقیت

بررسی و مطالعه زندگی انسان‌های خلاق حاکی از آن است که هنگامی خلاقیت به شکوفایی می‌رسد که شخص بتواند بین آنچه در درون دارد و آنچه از محیط می‌آموزد ارتباط برقرار نماید. بدین معنا که طبیعت یا فطرت با تربیت هماهنگ باشد. بنابراین برای رشد و گسترش خلاقیت، باید مربیان به نکات زیر توجه کافی مبذول دارند:

سؤالات بحث‌انگیز مطرح نمایند، از وسایل کمک‌آموزشی بهره بگیرند، ارتباط مسائل درسی را با واقعیت‌های زندگی بیان نمایند، از محرکات مختلف مثل تصاویر و نمودار استفاده کنند، به تخیلات دانش‌آموزان اهمیت دهند، اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان را تقویت کنند، در دانش‌آموزان احساس آرامش ایجاد نمایند، مطالب درسی را با مطالب قبلی و تجارب دانش‌آموزان تنظیم کنند، تحقیق و جستجو را تقویت کنند، به درک و فهمیدن بیش از حفظ کردن عنایت داشته باشند، به افکار و عقاید دانش‌آموزان احترام بگذارند، از پاسخ‌ها و سؤالات عجیب‌وغریب و بی‌ربط دانش‌آموزان ناراحت نشوند و از آن استقبال نمایند، به کیفیت یادگیری اهمیت بدهند، روش بحث و گفتگو را انتخاب نمایند، برخی مواقع از خود دانش‌آموز بخواهند مسائلی را مطرح کند، به راه‌ها و جواب‌های مختلف توجه کنند نه اینکه فقط یک‌راه حل مشخص و معین را مدنظر داشته باشند و قدرت تجزیه‌وتحلیل و انتقادی بودن دانش‌آموزان را رشد دهند.

روش تدریس معلم باید اکتشافی و فعال باشد؛ یعنی روش‌هایی را به کار بندد که دانش‌آموزان را به فعالیت وادارد. جلسات بحث و گفتگو تشکیل دهد و آن‌ها را با مسائل روبه‌رو سازد. معلم باید دانش‌آموزان را به خطرپذیری معقول تشویق نماید. دانشمندانی همچون شکسپیر (نمایشنامه‌نویس)، داستایوسکی (داستان‌نویس) و پیکاسو (نقاش) با خطرپذیری، به چنین موفقیت‌هایی دست یافتند؛ بنابراین شکیبایی و صبر در برابر شکست را باید به دانش‌آموزان آموخت. به دانش‌آموزان باید فرصت آزمایش و خطا داد و نباید به خاطر اشتباه در شیوه تفکر، آن‌ها را تنبیه و جریمه نمود. خطا زمینه‌ساز چالش فکری و ابزاری برای تکوین اندیشه است، از این‌رو، به دانش‌آموزان باید اجازه داد از خطا کردن نهراسند زیرا همه خطا می‌کنند و بهتر است آن‌ها شهامت، شجاعت، تهور و جوشش فکری برای ابداع و خلاقیت داشته باشند و هنگام اشتباه به‌جای تنبیه و سرزنش، هدایت و ارشاد شوند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

چگونه تفکر خلاق را در خود و دیگران پرورش دهیم؟

- ۱- اطلاعات و تجارب خود را در موقعیت‌های مختلف گسترش دهیم.
- ۲- از دیگران و کودکان سؤال‌هایی را بپرسیم که پاسخ‌های متعدد داشته باشد.
- ۳- اگر سؤال‌های غیرمعمول از سوی دیگران مطرح شد، سعی کنیم تا با همکاری خودشان پاسخ‌های جدید و نو را کشف کنیم.
- ۴- رفتارها و الگوهای افراد خلاق مثل ابوعلی سینا، دکتر حسابدی و ... را سرمشق زندگی قرار دهیم.
- ۵- از فنون ویژه تفکر خلاق مانند بارش فکری به‌خوبی استفاده نماییم.
- ۶- تصورات ذهنی خود و دیگران را تقویت کنیم، زیرا تصویرسازی کمک می‌کند تا اطلاعات در حافظه بلندمدت بیشتر ذخیره شوند.
- ۷- در نوشتن داستان یا کشیدن نقاشی و ... به‌جای استفاده از نمونه (مدل) از طرح‌های خلاق ذهن خود استفاده کنیم.
- ۸- مهم‌ترین نکات آنچه را که می‌خوانیم، می‌بینیم و می‌شنویم را یادداشت نماییم.
- ۹- هر فکر جدیدی که به ذهن ما می‌رسد را بنویسیم.
- ۱۰- اجازه دهیم هر سؤال‌ی را از ما بپرسند و سؤالات آنان را جدی بگیریم.

موانع خلاقیت کدام‌اند؟

- ترزا اما بلی عواملی را که بر خلاقیت تأثیر منفی می‌گذارند در شش مورد بیان می‌کند:
۱. ارزیابی افراد بر مبنای انتظارات: افراد باید احساس کنند برای خودشان کار می‌کنند نه برای دیگران.
 ۲. نظارت و مراقبت: افراد نباید فکر کنند در حین کار چشمانی مراقب آن‌هاست.
 ۳. پاداش: افراد خلاق بیشتر به دنبال رضایت درونی هستند تا پاداش‌های ملموس بیرونی.
 ۴. رقابت: در حوزه رقابت خلاقیت کمتر می‌شود.
 ۵. انتخاب محدود: افرادی که در انتخاب چگونگی انجام کار محدود هستند کمتر خلاق‌اند.
 ۶. گرایش به پاداش‌های بیرونی: افرادی که به محرک‌های بیرونی مانند پول، پست، مقام، فکر می‌کنند کمتر خلاق می‌شوند.
- اگر بخواهیم موانع خلاقیت را به‌طور عمیق‌تر و جزئی‌تر بررسی کنیم. بهتر است موانع را به دودسته «موانع فردی» و «موانع بیرونی» تقسیم نموده و عوامل هر کدام را مطالعه نماییم.

موانع بیرونی

- ۱- آداب و رسوم: در بسیاری از موارد آداب و رسوم افراد را مجبور می‌سازد که طبق الگوهای خاصی رفتار نمایند.
- ۲- هم‌رنگی (conformity): در برخی موارد افراد از اینکه با دیگران متفاوت باشند هراس دارند و رأی و عقیده خود را مطابق دیگران می‌نمایند.
- ۳- قوانین و مقررات: گرچه رعایت قوانین و مقررات برای هر فرد واجب است تا نظم در جامعه حکم‌فرما باشد اما برخی مواقع عدم انعطاف در قوانین مانع رشد تفکر خلاق است مثلاً قوانین آموزشی در تعلیم و تربیت بدون توجه به تفاوت‌های فردی، مانع بروز خلاقیت دانش‌آموز است.
- ۴- شغل: برخی مواقع فعالیت‌های یکنواخت در شغل و حرفه باعث می‌گردد که فرد به آن فکر نکرده و از روی عادت بدون تعمق به امور زندگانی بپردازد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵- نگرانی از عدم استقبال اجتماعی: امور خلاق که جنبه نوآوری دارد و تازه و جدید هست، ممکن است ابتدا مورد توجه اجتماع قرار نگیرد و افراد از تحقیر و سرزنش ترس داشته باشند و دست از تفکر خلاق بردارند.

تعریف بازی

بازی وسیله‌ای طبیعی است برای بیان اظهار خود.

اریکسون در این مورد تعریفی از بازی ارائه داده است «بازی عملکرد خود است، کوششی جهت هماهنگ کردن فرایندهای جسمانی و اجتماعی با خویشتن»^۱ برای درک بیشتر بازی کودکان، می‌بایست آنان را هنگام بازی مورد مشاهده قرارداد. آنان از طریق بازی احساسات، ناکامی‌ها و اضطراب‌های خود را بیان می‌دارند. در نتیجه بازی کودکان وسیله مناسبی برای مربیان و والدین است به آنان کمک می‌کند تا وارد دنیای کودکان شوند و بدان طریق آنان را بیشتر و بهتر بشناسند و به مشکلات آنان پی ببرند.

بازی برای کودکان همانند کلام برای بزرگسالان است. بازی وسیله‌ای است برای بیان احساسات، برقراری روابط، توصیف تجربیات، آشکار کردن آرزوها و خودشکوفایی.

فعالیت و بازی در واقع تلاش کودک برای کنار آمدن با محیط است.

«بازی از دیدگاه صاحب‌نظران علوم تربیتی و روان‌شناسی»

آدلر می‌گوید: بازی به معنای ارضای واقعی امیالی است مانند برتری‌جویی و خودنمایی کودک.

جان دیویی می‌گوید: بازی فعالیتی طبیعی است که خودبه‌خود و آزادانه انجام می‌پذیرد و در آن قصد حصول نتیجه نیست.

نیومن: استفاده آموزشی از بازی، آن را تحریف می‌کند و به بازی حالت اجبار و اختیار می‌دهد و آزادی و سرگرمی آن را محدود می‌سازد.

دکتر مظلومی در این باره می‌گویند: بازی کودکان را در ابتدا آشنا با محیط، سپس تجربه برای به‌کارگیری کاربردها و بعد از آن فرهنگ‌پذیری و بالاخره بازی را تعلیم و تربیت می‌دانند.

برای کودکان حرکت یکی از معمول‌ترین راه‌های ابراز توانایی جسمانی، فکری و عاطفی است.^۲ ارائه فعالیت‌ها در قالب انواع حرکات و بازی‌ها، یادگیری بسیاری از مهارت‌های ورزشی از طریق قرار دادن دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف، علاوه بر ایجاد تحرک و تجربه تعیین‌کننده استقلال، خودباوری، عزت‌نفس فردی و اجتماعی آن‌ها خواهد شد که این خود در مجموع تعادل حیاتی را در آن‌ها موجب می‌گردد.

پذیرش خطر و کسب تجربه از راه بازی

کودک به وسیله این مهارت پیدا می‌کند که با نادیده گرفتن ترس از دیگران، موقعیت‌ها، علایق، نظرات و احساسات خود را شجاعانه بیان کند. پذیرش خطر به این معنا با پذیرا بودن تجربه نسبت مستقیمی دارد؛ زیرا گاهی کسب تجربه‌های جدید و رویارویی با آن‌ها مستلزم شهامت و جسارت برای ورود به آن‌ها هست.

برای پرورش خطر و کسب تجربه بهتر است به فکر تدارک بازی گروه‌های چند نفره (هر گروه سه نفر) یا تنها یک گروه که اعضا در آن شرکت کنند در نظر گرفت.

^۱ نقش بازی در ایجاد خلاقیت و پرورش کودکان - ابوالقاسم ریاحی - انتشارات پرنیان - ۱۳۸۰.

^۲ عوامل مؤثر در رسیدن به اهداف تربیت بدنی در مدارس - دکتر بتول شرف جوادی - ۱۹ اسفند ۱۳۷۹.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انواع بازی از دیدگاه پیازه

بر اساس نظریه پیازه سه دسته اصلی بازی‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- بازی‌های تمرینی: معنای کلی این بازی‌ها همان play در زبان انگلیسی است که با game متفاوت است. بازی‌های تمرینی یا همان play به معنای فعالیتی لذت بخش همراه با مهارت‌های بدنی است.
- ۲- بازی‌های سمبولیک (نمادی): آن دسته از بازی‌هایی هستند که کودک، خود آن را درست کرده، به‌تنهایی بازی می‌کند و معمولاً در این‌گونه بازی‌ها مقدار زیادی تقلید و وانمود سازی وجود دارد.
- ۳- بازی‌های دارای قواعد و مقررات: این بازی‌ها، بازی‌های اجتماعی هستند که قواعد و مقررات دارند، توسط گروه تحمیل می‌شوند. نقض مقررات در این بازی‌ها محکوم است.

فواید بازی

اکثر اولیاء و مربیان بازی را نوعی ائتلاف وقت برای کودک به حساب می‌آورند و می‌خواهند که کودک هر چه زودتر از بازی دست کشیده، به کارهای جدی‌تر و مهم‌تری بپردازد. کودک عاشق بازی است و شاید شدیدترین محرومیت او، آن باشد که از بازی محروم شود. بازی در عین اینکه وسیله سرگرمی کودک است جنبه آموزشی و سازندگی نیز دارد. اگر بازی خوب و اندیشیده طرح‌شده باشد به کودک فرصت می‌دهد تا به تقویت جنبه‌های جسمی ذهنی، روانی و عاطفی خود بپردازد و اصول اخلاقی و اجتماعی را به‌خوبی فراگیرد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «دع ابنک یلعب سبع سنین» ایشان می‌فرمایند:

بگذارید کودک هفت سال اول بازی کند و هرگز کودک را از بازی منع نمی‌نمودند.

- بازی موجب رشد جسمی کودک می‌شود همچنین عضلات را نیرومند و استخوانها را محکم می‌کند.
- بازی باعث افزایش مهارت در حواس لامسه و بینایی کودک می‌شود.
- بازی حس کنجکاوی کودک را برمی‌انگیزاند و قدرت ابتکار او را تحریک می‌کند.
- بازی موجب تعدیل تمایلات عاطفی کودک می‌گردد.
- بازی کودک را در برابر مشکلات مقاوم می‌کند و به او اعتمادبه‌نفس می‌بخشد.
- از آنجاکه کودکان از طریق تجربه فعال، به بهترین وجه یاد می‌گیرند، بازی و فعالیت شرایط کسب تجارب دست‌اول را برای کودکان فراهم می‌نماید تا کودک با محیط تعامل پیدا کرده، به آزمایش بپردازد و مفاهیم صحیح و روشنی را به دست آورد.
- بازی برنامه‌ای متعادل، فرایند محور را فراهم می‌آورد که همه اهداف رشدی را تحقق می‌بخشد.

توصیه‌هایی برای والدین و مربیان:

- ۱- به بازی کودکان اهمیت دهیم، زیرا زندگی آن‌ها در بازی، شکل واقعی به خود می‌گیرد.
- ۲- تلاش کنیم تا بازی‌های کودکان متناسب با فرهنگ و ارزش‌های خانواده باشد.
- ۳- با دقت در تفکرات خلاق و پویایی کودکان در حال بازی می‌توانیم با چگونگی شخصیت آن‌ها بیشتر آشنا شویم.
- ۴- در بازی کودکان دخالت نکنیم اما راهنما و کمک‌کننده خوبی باشیم.
- ۵- با همبازی شدن با کودکان راه دوستی‌ها را باز کنیم.
- ۶- کاری کنیم که بازی به‌صورت تجربه‌ای لذت‌بخش در ذهن کودک باقی بماند.
- ۷- برای متوقف کردن بازی از امرونهی استفاده نکنیم.
- ۸- با توجه به روحیه کنجکاوی کودک، به‌گونه‌ای او را راهنمایی کنیم که به تفکر مثبت و اندیشه خلاق و سازنده دست یابد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۹- مراقب باشیم که محیط بازی موجب آسیب جسمی، فکری و یا روانی نشود.
- ۱۰- در انتخاب نوع بازی، به سن، جنس و توانایی‌های فرزندمان توجه کنیم.
- ۱۱- نوع و مدت‌زمان بازی فرزندمان را طوری کنترل کنیم که از فشارهای هیجانی و روحی بیش‌ازحد دور باشد (به‌ویژه بازی‌های رایانه‌ای)
- ۱۲- برای انتخاب الگوهای صحیح، زمینه مناسبی را برای بازی‌های تقلیدی کودکان فراهم نماییم.
- ۱۳- از محدود کردن کودک در هنگام بازی بپرهیزیم.

نتیجه‌گیری

در هر نوع از بازی با استفاده از اصول تعلیم و تربیت می‌توان ضمن بازی‌ها و به‌ویژه بازی‌های ابتکاری، خلاقیت را در کودکان پرورش داد و در آینده انسان‌هایی خلاق در فکر و عمل پرورش داد. تربیت، آموزش، هدایت، رهنمود، پرورش و بسیاری از این عناوین که در حوزه تعلیم و تربیت مطرح می‌شود از عناوینی هستند برای باز کردن پنجره‌ای به سوی آینده کودک. هدف عمده هر آموزش و انگیزه هر مربی و والدی پرورش و تعالی بخشیدن کودک و ترقی دادن او به وضع انسانی و متعالی است. منظور از هر آموزشی همراهی است یعنی باید برای کودک بهترین شرایط رشد را فراهم کرد و حتی‌الامکان فعالیت‌هایی را که برای رشد لازم است به او تمرین داد این نوع تربیت تا حدی خلاق هست. البته در رابطه با تربیت خلاق رشد بدن و قدرت فعلیت و همچنین محیط و قدرت سازنده‌ای که در عضویت اجتماعی کودک به کار می‌افتد در پرورش و تعالی وی مؤثر است. کودک می‌تواند با استفاده از تمام سرمایه‌های ارثی و تجارب بسیاری که در قالب بازی و از طریق خود، محیط و اطرافیان به او ارزانی می‌گردد به جهت آنکه از این جهش پشتیبانی کامل صورت گیرد می‌تواند روح خلاقیت را در خود پرورش داده و سرمایه‌ای برای آینده خویش کسب نماید.

پیشنهادها

- ۱- در بازی بهتر است به فضای بازی توجه شود یعنی مشخصات فضای بازی رغبت، تخیل و تفکر را طوری برای کودک فراهم کند که او برای رسیدن به زندگی سرشار (عدم احساس زمان) مورد مساعدت قرار گیرد.
- ۲- کودکان بهتر است در انتخاب بازی آزاد باشند. مربی و والدین بازی را برای بچه‌ها انتخاب نکنند و به او القاء نمایند در این رابطه بهتر است طوری عمل شود که گرایش کودک در انتخاب بازی حفظ شود.
- ۳- تا جایی که بازی کودک موجب به هم ریختن برنامه‌های زندگی نشود یا لطمه‌ای به بار نیآورد و مزاحمتی برای دیگران ایجاد نکند نباید از آن، جلوگیری شود.
- ۴- داخل کردن کودکان فکور و متفکر به‌عنوان همبازی، خودبه‌خود زمینه فکری بازی را گسترش می‌دهد و موجب نزدیکی کودک به بازی خلاق می‌گردد.
- ۵- مربیان و والدین بهتر است به بازی به‌عنوان یک تمایل طبیعی بنگرند یعنی بازی کردن کودک را نشانه طبیعی بودن او و بازی نکردن او را نشانه‌ای از غیرطبیعی بودن وی تلقی کنند.
- ۶- بازی، به‌عنوان وسیله‌ای برای تجربه‌اندوزی و مهارت‌آموزی هست. کودک در نتیجه بازی هم تجربه می‌آموزد و هم مهارت. بازی باعث پرورش حواس کودک می‌شود و تربیت حواس یکی از راه‌های تربیت هوش و حافظه است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

۱. کرمی، رضا، نگرشی نو بر خلاقیت، انتشارات عابد، ۱۳۹۳.
۲. حسینی، علی، آموزش کاربردی خلاقیت و حل خلاق مسائل، انتشارات قصیده‌سرا، ۱۳۹۰.
۳. آمایلی، ترزا، شکوفایی خلاقیت، ترجمه دکتر حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، انتشارات دنیای نو.
۴. دوی تیتتر، ژانت، فرزندان خوب تربیت کنیم ترجمه مهدی قراچه داغی، نشر اوحدی، ۱۳۸۵.
۵. علوی، حسن، سیری در تربیت اسلامی، انتشارات ذکر، ۱۳۹۶.
۶. محمدی، رضا، نقش بازی در ایجاد خلاقیت و پرورش کودکان، انتشارات پرنیان، ۱۳۹۶.
۷. رأس، آلن، روان شناسی شخصیت (نظریه‌ها و مفاهیم) ترجمه سیاوش جمالفر، روان، ۱۳۹۸.
۸. حسنی، محمد، چکیده‌ای از روان شناسی تربیتی، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۹.